

تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران

(۱۸)

رکن‌الدین همایونفرخ

۳۳۶ - کتابخانه محمد مقیم . اصفهان : به‌لوریکه نوشتیم مولانا محمد مقیم کتابدار کتابخانه شاه سلیمان بوده است . او مردی کتابدوست و نسخه‌شناس بود و خود او نیز کتابخانه‌ای در اصفهان فراهم آورده بود و مدتی نیز سفارت ایران به هند رفت و از آن سرزمین کتابهای نفیسی ره‌آورد آورد . (۱۰۶۸ هـ .) از جمله کتابهایی که برای کتابخانه او نوشته شده و ما را بوجود کتابخانه او مطلع میدارد کتاب لوامع صاحبقرانی است در کتابخانه مجلس شورای ملی که شماره ۸۳۴ ثبت شده است .

۳۳۷ - کتابخانه اعتقادخان . اصفهان : یکی از کتابخانه‌های مهم اصفهان کتابخانه اعتقادخان از رجال و معارف دوران شاه‌عباس اول بوده است . این مرد از متمکنان بوده و بجمع‌آوری کتاب علاقه و عشق مفرط داشته است و برای کتابخانه‌اش نسخه‌هایی فراهم می‌آورده که بخط استادان و خوشنویسان شهر بوده است . بیشتر خوشنویسان دربار شاه‌عباس مانند علیرضای عباسی - میرعماد برای کتابخانه او نسخهای نفیسی نوشته‌اند . بعنوان نمونه میتوان از نسخه بوستان سعدی بخط میرعماد یاد کرد که برای کتابخانه اعتقادخان نوشته شده و این نسخه عزیزالوجود در کتابخانه مجلس شورای ملی محفوظ است .

۳۳۸ - کتابخانه حاج حسین بیگ . اصفهان : حاج حسین بیگ از اعیان و اشراف اصفهان و معاصر شاه‌عباس بزرگ بوده است . حاج حسین بیگ یکی از علاقه‌مندان بکتاب بوده و نسخهای گرانقدر و برجسته و هنری برای کتابخانه‌اش تهیه میکرده است . از جمله گرشاسب‌نامه است که در سال ۱۰۲۵ برای کتابخانه او نوشته‌اند و رضای عباسی نقاش شهر هفت مجلس برای آن تصویر کرده است^۱ و هم‌چنین کلیات خاقانی بخط محمدصادق خاتون‌آبادی خوشنویس^۲ که در سال ۱۰۳۸ تحریر یافته و متعلق بکتابخانه مجلس شورای ملی است که شماره ۹۷۸ ثبت شده است .

۳۳۹ - کتابخانه خونساری . اصفهان : مؤسس کتابخانه خونساری در اصفهان آقا حسین‌بن جمال‌الدین خونساری است که در سال ۱۰۹۸ درگذشته و اولاد و احفاد او همه از مردان دین و دانش بوده‌اند . افندی متذکر کتابخانه معظم این خاندان است .

۳۴۰ - کتابخانه رضی قزوینی : آقا رضی‌الدین‌بن محمد بن الحسن قزوینی کتابخانه معتبر و معروف داشته است که با استفاده از آن مآخذ و مصادر توفیق یافته است کتاب *لسان‌الخواص* را در شرح معانی الفاظ و اصطلاحات علمی به ترتیب حروف تهجی تألیف کند .

۳۴۱ - کتابخانه نوروزعلی تبریزی . قزوین : افندی کتابخانه نوروزعلی تبریزی را در قزوین دیده و از کتابهای نفیسی این کتابخانه فهرست بدست میدهد .

۳۴۲ - کتابخانه رستم مجوسی . یزد : حزین در خاطر آتش ضمن شرح مسافرتش به یزد مینویسد : «رستم مجوسی منجم مشهور را در آنجا دیدیم . کتب مجوسی^۳ و حکمی و اسلامی بسیار

۱ - این نسخه متعلق بکتابخانه نویسنده است .

۲ - بخط این نویسنده شهر یگ جلد مثنوی مولوی در کتابخانه مجلس شورای ملی محفوظ است .

۳ - منظور کتابهای مذهبی زرتشتی بخط بهلوی است .

داشت و به هیأت و نجوم و حساب و ضوابط رصد ماهر بود. با او صحبت بسیار داشتم و رصدی را که انجمن مجوسی در چهار هزار سال پیش از این نوشته بود نزد وی دیدم».

۳۳۳ - کتابخانه مجذوب تبریزی: شرف‌الدین محمد رضا تبریزی متخلص به مجذوب از علماء و شعرای عارف قرن یازدهم است که محضرش پیوسته مجمع طالب‌علمان و دانش‌پژوهان بوده است در منزلش که بصورت خانقاه در تبریز دائر بوده کتابخانه‌ای فراهم آورده بود که مورد استفاده طالب‌علمان قرار می‌گرفته. مثنوی معروف به شاهراه نجات از اوست که سال ۱۰۶۳ سروده است. کتابهایی متعلق بکتابخانه مجذوب تبریزی در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است.

۳۳۴ - کتابخانه حزین: اصفهان: شیخ محمدعلی حزین از سخنوران و دانشمندان اواخر دوران صفویه و آغاز افشاریه است. شاعری است توانا و قادر. او پنج دیوان فراهم آورد و چند مثنوی سروده است.

شیخ محمدعلی حزین در تذکره حاشی اوضاع ایران را از حمله محمود افغان که خود ناظر بر آن بوده تا فتح دهلی بدست نادرشاه برشته تحریر آورد. تذکره او اثری مستند است زیرا مشاهداتش را آورده. این شاعر عالیقدر و محقق عالیمقام که پدرش نیز از جمله علماء بوده است کتابخانه بزرگی در اصفهان داشته که در اثر هجوم محمود افغان با اصفهان از میان رفته است. او درباره کتابخانه‌اش چنین مینویسد: «در آن سال (۱۱۳۵) سانحه اصفهان روی داد و کتابخانه فقیر و آنچه بود بغارت رفت و مرا بر تلف شدن آن نسخه‌ها تأسف است!».

حزین در واقعه اصفهان دچار عسرت شده و ناچار می‌گردد که آنچه را دارد بفروشد و با آن امرار معاش کند. خود او در این باره مینویسد: «... این دوران و احوال روزگاری گذشت که عالم‌السرار بدان آگاه است. هر آنچه دست قدرتم می‌رسید صرف می‌کردم و بغیر از کتابخانه چندان چیزی باقی نمانده بود و با وجود بی‌صرفی بودن دوهزار جلد کتاب نیز متفرق ساخته بودم و تنه در آن خانه بغارت رفت!».

۳۳۵ - کتابخانه میرزا ابوتراب اصفهانی: میرزا ابوتراب از افاضل اصفهان بود و کتابخانه او از کتابهای نفیس بخط استادان خط ممتاز بوده است.

۳۳۶ - کتابخانه مدرسه فیضیه (مؤمنیه) قم: مدرسه مؤمنیه را شاه سلطان حسین صفوی در قم بنا کرد و هم‌اکنون نیز سردر آن باقی است و کتیبه باقیمانده یادآور بانی آنست، ابیات باقیمانده از کتیبه اصلی چنین است:

ساخت این مدرس سیه‌راساس	که از آن شد بنای دین محکم
بخیرو عهد و داور دوران	شاه گیتی و قبله عالم
دوره رقم کنگره از عهد تاریخ	بهترین مدارس عالم

(۱۱۱۳)

مدرسه مؤمنیه در زمان فتحعلیشاه قاجار که موقوفات آن دستخوش تصرف و تصاحب شده بود رونق داشت و کتابخانه آن از کتابخانه‌های بزرگ قم بشمار میرفت.

فته افغان و دوران قوت

دوستان سال آرامش و سکون و امنیت و فراوانی نعمت و تعمیم آسایش و تأمین رفاه که نتیجه درایت و تدبیر و حسن مدیریت بنیان‌گذار دودمان صفوی شاه اسمعیل بزرگ و کفایت شاه تهماسب اول و شاه عباس کبیر بود موجب غفلت عمال دولت صفوی و صدور مملکت گردید و چنان می‌پنداشتند که دنیا درمان و امان آسوده و کسی را دیگر جرأت و زهره و یارای آن نیست که پا از گلیم خود فراتر نهد و دم از طغیان و عصیان زند!

۴ - کلیات حزین چاپ هند ص ۴۹.

۵ - کلیات حزین ص ۴۲.

بجای بسط نفوذ و حاکمیت در مرزهای مملکت عمال دولت بجان یکدیگر افتاده بودند و از ضعف و خوش بینی و حسن خلقی شاه سلطان حسین سوء استفاده میکردند ، تجاوز و تعدی رایج بود و در مملکت مرجعی برای رسیدگی به تنظیم مظلومان و جلوگیری از تعدی متعدیان وجود نداشت تاریخ دوران شاه سلطان حسین و وقایعی که در آن اوان رخ داده است بقلم ناظران و مورخان آن زمان موجود است و ما را مجال بحث و بسط مقال در آن احوال نیست تنها با اشاره ای اکتفا میرویم تا زمینه بحث برای بیان دوران فترت روشن باشد .

طغیان و عصیان و هجوم محمود و اشرف افغان و شکست مدافعان چنان برای مردم کشور غیر مترقبه و غیر منتظره بود که همه را چون ساقه زدن دکان دچار بهت و حیرت ساخت قتل و غارت چنان بالا گرفت که خاطر هجمه چنگیز و تیمور را باردیگر زنده کرد بسیاری از شهرهای ایران از این مصائب و نوائب سهمی داشتند و چنانکه در شرح کتابخانه شیخ محمدعلی حزین متذکر شدیم قحط غلا و نهب و غارت دامنگیر کتابخانه های عمومی و خصوصی شد و گنجینه های معرفت دستخوش غارت و پایمال حرص و شهوت مشتی اراذل و اوپاش گشت .

باردیگر مدارس و دارالعلمها بیغوله سگان و ماوای جفندان شد و سکوت و وحشت بر مجامع علم و دانش چیره و حکمفرما گشت .

نادر شاه ظهور کرد و با شدت و قدرت به سرکوب و منکوب کردن قوای طاغی و یاغی پرداخت و چون شیرازه حکومت گسیخته بود ، این مرد دل آور و پهلوان نامور کوشید باردیگر شاهنشاهی ایران را از تلاشی و انهدام نجات بخشد و با تمام همت بانجام این نیت بذل مساعی کرد و توفیق یافت که مرزهای کشور را از تجاوز بیگانگان درمان دارد . چون اهتمام نادر شاه در دوران سلطنتش معروف سرکوبی معاندان و طاغیان و جهانگشائی بود متأسفانه توجهی به بسط معارف مبذول نگشت و در این دوره مدارس که در اثر واقعه افغان و ویرانی شهرها بحال تعطیل درآمده بود همچنان بوضع نامطلوبی باقی ماند . باید گفت : نادر شاه پس از تصرف اصفهان و شکست افغانان تا آنجا که توانست آثار نفیسی و نسخه های گرانقدر کتابخانه شاه سلطان حسین را که بغارت رفته بود باز پس بگیرد و این کتابها با دیگر نفایس و ذخایر دودمان صفوی و آنچه را که پس از فتح دهلی بدست آورد در خزائن کلات گذاشت .

پس از قتل نادر ، برادرزاده اش عادل شاه قیام کرد و فرزندان نادر را جز شاهرخ میرزا پسر نادرقلی میرزا که بیست سال داشت همه را بکشت و بخزائن کلات دست یافت .

سلطنت عادل شاه دیری نپایید و او نیز بدست ابراهیم برادرش مخلوع و کور و زندانی شد ابراهیم نیز پس از چندماه اسیر و مقتول گردید و شاهرخ میرزا بکمک یوسفعلی باردیگر بسط سلطنت رسید ، شاهرخ از ۱۱۶۱ تا ۱۲۱۰ که گشته شد دورانی پر مصیبت را بنام پادشاه خراسان گذرانید .

سلطنت شاهرخ محدود به خراسان بود و زمان سلطنت او مقارن است با سلطنت کریمخان زند و سپس قیام آقامحمدخان قاجار ، فرزندان شاهرخ ، نادر میرزا و نصرالله میرزا بر سر ذخایر و دغایین نادر با یکدیگر به ستیز و جدال برخاستند تا جائیکه بخزائن آستان قدس رضوی هم دستبرد زدند و پس از این عمل شنیع ، نادر میرزا با تصاحب قسمتی از خزائن نادری بافغانستان گریخت و نصرالله میرزا نیز پس از چندی درگذشت .

پس از اینکه نادر کشته شد متأسفانه با ظهور مدعیان سلطنت و تقسیم شدن کشور میان چند قدرت و جدال و کشمکش متوالی میان این قدرت ها مانع دیگری بود از اینکه حوزه های علمی مملکت دیگر بار رونق گیرد .

کریمخان زند پس از بدست آوردن قدرت متأسفانه در راه احیای مدارس و دارالعلمها گام برجسته ای برنداشت و اینست که باید گفت در دوران افشاریه و زندیه از فعالیت های علمی هیچگونه اثر چشم گیری نمی بینیم ، پس از درگذشت کریم خان زند ، آقامحمدخان قاجار که

مردی فاضل و جسور بود قیام کرد و در اندک مدتی توانست بر سراسر ایران دست یابد و حکومت‌های کوچک و محلی را براندازد. آقا محمدخان در سال ۱۲۱۰ هـ. پس از تاجگذاری در تهران بزم تسخیر خراسان حرکت کرد و بدون مقاومت قابل توجهی مشهد را تسخیر کرد و شاهرخ را دستگیر کرد.

شاهرخ قبل از ورود آقا محمدخان قاجار که شیفته و فریفته جواهرات نادری بود و برای بدست آوردن آنها خواب و آرام نداشت، باقیمانده خزائن نادر را در نقاط مختلف مشهد و خراسان مخفی و پنهان ساخته بود.

آقا محمدخان برای بدست آوردن جواهرات شاهرخ را به شکنجه کشید و پس از شکنجه‌های بسیار به جواهرات دست یافت و شاهرخ نیز از آزارهای وارده در گذشت، با درگذشت شاهرخ بازمانده کتابخانه دوران صفوی که در محلی مخفی بود بدست آقا محمدخان نیفتاد و همچنان در تصرف بازماندگان خاندان افشاریه باقی ماند.

نویسنده از مردم تفه خراسان شنید که قسمتی از این کتابها در زمان ناصرالدین شاه بکتابخانه سلطنتی فروخته شد و مازاد آن تا قیام کلنل محمدتقی خان پسیان در خراسان باقی بود و در آن زمان بازماندگان دودمان شاهرخ قصد فروش آنرا داشته‌اند. گویا اعظم این کتابهای نفیس با اروپا رفته و بیشتر آنها اینک در کتابخانه بریتش موزیوم نگهداری میشود.

از کتابخانه‌های معروف دوران افشاریه و زندیه چند کتابخانه بیشتر نمی‌شناسیم که اینک بمعرفی آنها می‌پردازیم، در تائید نظراتی که داده شد، بجاست بنوشته میرزا محمدتقی‌کتابی در قصص العلماء، استاد جویم، این نویسنده در شرح حال میرزای قبی مینویسد که «... میرزا آن تنخواه را گرفته باصفهان مراجعت کرد و چون اسباب اجتهاد نداشت بعضی از کتب استدلالیه و کتب لغت و کتب احادیث امتیاع نمود، گویند که در آن زمان (سلطنت کریم‌خان زند) کتاب را به من می‌فروختند و من بوزن شاه که معادل دویست تیریز بود (۶ کیلو) بدم تومان معامله و دادوستد میکردند».

۳۳۷ - کتابخانه آذر بیکدلی - قم: لطفعلی خان آذربیکدلی مؤلف تذکره آتشکده شاعر عالیقدر دوره زندیه و بنیان‌گذار بازگشت مکتب ادبی، در قم کتابخانه‌ای تأسیس کرده بود که هزار جلد کتاب مخطوط داشت.^۶

۳۳۸ - کتابخانه مفتون تبریز: عبدالرزاق بیگ دنبلی متخلص به مفتون از دانشمندان و سخنوران دوره زندیه است که تا اوائل قاجار حیات داشته است. تذکره حدائق الجنان و تاریخ مآثر سلطانیه از مؤلفات او است. تألیفات او متجاوز از بیست جلد است خود او در حدیقه سوم از حدائق الجنان از کتابخانه نفیس یاد میکند کتابخانه او به پسرش بهاءالدین محمد بن عبدالرزاق بیگ نویسنده تفسیر قرآن بزبان عربی^۷ رسید و سپس کتابهای این کتابخانه متفرق شد و نسخهای از آنها را در کتابخانه‌های خصوصی و عمومی توان یافت.

۳۳۹ - کتابخانه فیض‌الله بن بهبود. سندج: فیض‌الله بن بهبود علی‌خراسانی مردی عارف و عالم بود و کتابهای چند ترجمه و تألیف کرده است، از جمله عوارف المعارف سه‌رودی این مرد فاضل کتابخانه معتبری در سندج فراهم آورد که نسخهای از آن اینک در کتابخانه آستان قدس موجود است.

۳۴۰ - کتابخانه اسفندیاریک میرشکار. شوشتر: میر اسفندیاریک میرشکار شوشتری

۶ - قصص العلماء چاپ سنگی تهران س ۱۹۲.

۷ - بازمانده کتابخانه آذر توسط نوادش حاج عبدالحمین آذر بیکدلی بکتابخانه خصوصی آقای فخرالدین نصیری امینی فروخته شد.

۸ - این نسخه در کتابخانه تربیت تبریز موجود است از حدائق الجنان نسخه‌ای بخط مؤلف در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است.

درشوشتر مدرسه‌ای بزرگ ساخت و جنب مدرسه کتابخانه‌ای معظم ترتیب داد در واقعه و هجوم افغانان به جنوب این کتابخانه ویران شد و قفنامه این مدرسه و کتابخانه آن در تذکره شوشتر به تفصیل آمده است.^۹

۳۴۱ - کتابخانه سید نعمت‌الله جزایری . حویزه : سید نعمت‌الله جزایری از اجله دانشمندان قرون اخیر ایران است ، او مدت نه سال در شیراز در محضر دانشمندی چون ابراهیم بن ملاصدرا و شیخ جعفر بن کمال بحرینی و سید هاشم احسانی تلمذ کرده و سپس باصفهان رفته و سالها از محضر استادانی چون آقا حسین خونساری و ملا محمد باقر خراسانی و مولانا محسن فیض کاشانی و آقا محمد باقر مجلسی استفاده کرده و سپس بشوشتر رفته و مرجع تقلید شده است . حاج محمد کلاتر برای او مدرسه‌ای رفیع در حویزه ساخت و کتابخانه‌ای مجلل و عظیم فراهم آورد ، سید نعمت‌الله جزایری تألیفات متعدد دارد ، نویسنده بسیاری از آثار او را بخط خودش زیارت کرده است ، کتابخانه سید نعمت‌الله جزایری از کتابخانه‌های بسیار معروف و شهیر قرن یازدهم بشمار است ، پس از درگذشت او سید عبدالله صاحب تذکره شوشتر فرزندش در حفظ کتابخانه پدر اهتمامی داشته است.^{۱۰}

۳۴۲ - کتابخانه میر نورالله شوشتری . شوشتر : میر نورالله شوشتری بزرگ خاندان شوشتری جد قاضی نورالله شوشتری مرعشی بوده است که در شوشتر میزیست (۱۸۵۰-۹۲۰ ق) این مرد دانشمند کتابخانه بزرگی فراهم آورد که تا زمان حیات میر شریف شوشتری وجود داشته است.^{۱۱}

۳۴۳ - کتابخانه میرزا عبدالله بن میرزا شامیر . شوشتر : بنوشته تذکره شوشتر میر عبدالله شوشتری کتابخانه بزرگی فراهم آورده بوده است .

۳۴۴ - کتابخانه میر عبدالوهاب شوشتری : تذکره شوشتر مینویسد^{۱۲} «میر عبدالوهاب در سفر ایروان در خدمت نواب گیتی‌ستان شاه عباس بود و بعد از فتح بلد آنچرا در آن پورش کتاب بدست آمده بود ، پادشاه همگی را با جناب بخشید و آن جناب کتب را حیات نموده و آنچه بر صاحب ببانگ نگاه داشت و با تمام کتبی که از خود و آبا و اجداد گرام داشت همگی را وقف نمود و مجموع دوازده هزار جلد بود و وقفنامه مشتمل بر تفصیل اسمی این کتابها با جمیع خصوصیات از خط و کاغذ و رنگ و جلد و تاریخ کتابت و غیره و شروطیکه در متن وقف اعتبار بود و قلمی و اندرونی بسیار وسیع از عمارت خود جهت کتابخانه معین و از املاک خالصه خود همساله وجهی معتدبه جهت تعمیر کتابخانه و مرمت کتابها و وظیفه متولی آن وقف گردیده قرار داده بود (کذا فی الاصل) و برور ایام همه آن سررشته‌ها درهم و مختل و کتابها متفرق و اکثر بی‌بلائی و بی‌احتیاطی و این فقیر در بلده بی‌روح آذربایجان از کتب وقفی میر عبدالوهاب شناختم و از مرحوم والد خود شنیدم که در مکه معظمه بدکان کتابفروشی که نزدیک باب السلام است جلدی از کتبات دینم بود و کتابفروشی میگفته از شخصی مصری است که از مصر آورده ا و قلیلی از آن کتابها الحال نزد طلبه این بلد باقی است و آنچه از اینها بنظر آمده همه نسخه‌های خوش خط - صحیح - مذهب ، محتسب ، که طبع از مشاهده آنها نشاط و ذهن را از مطالعه آنها نهایت ایساط حاصل میگردد» .

کتابخانه های دوران قاجار

رواج چاپ

آقا محمدخان قاجار گذشته از اینکه در جوانی بمرسوم خانوادگی تا اندازه‌ای با علوم و ادب زمان آشنائی پیدا کرده بود اقامت اجباری او در شیراز که بعنوان گروگان نزد کریم خان زند میزیست برای او این فرصت را بوجود آورد که سفارش کریم خان زند او قاتش را ب مطالعه

۹- تذکره شوشتر ص ۷۲ . ۱۰- تذکره شوشتر ص ۵۷ . ۱۱- تذکره شوشتر ص ۳۲ .

۱۲- تذکره شوشتر ص ۳۷ . تذکره شوشتر در سال ۱۱۶۸ تألیف یافته است .

ولسلیب حربی بر کب و شیوه استاد لغزینک و این نامی این صنعتی که بهتر
 از استادان این فنون در هر فن باشند از جمله صنعت خریه عمل الطباع بود
 که او را لیسه گویند و این نسخه جدید که موسوم به اثر سلطان است و در
 الاطباع دار السلطنه تبریز اهتمام کارگذاران سرکار حضرت و بعد لیس
 و استواری مبتلا به جلا صد باقر تبریز که از معارف این ولایت است بتاریخ اواخر
 شهر رجب المرجب سنه هزار و دویست و چهل و بیست و هجرت مشرفه تمام و اختتام
 پذیرفت و قضا که تمام شود در احوال خاقان یسماال در ابد ازین تاریخ در جلد
 دیگر هر دو در لیسه عامه در مطالعه کنندگان از و بر بایست خوانند و سوسوی
 این کتب مستجاب و در خلافت طاهران بهر ازین القاب در تبریز یعنی اشفاق
 و القاسم سلطان ازین عهد تصانیف و سلطانه و اقامت سز و مهر خان جملات
 از کتب حدیث با سه کرد. شمار و اهل مطالعات با طرف اولیای سز و خرد
 و فر و خست میشود و اینها از دولت پادشاه طاهران از دولت پادشاه طاهران
 عالیست و کر که را انصت و قدر شمسو که خزانه عالی است و این
 تصانیف و از شش ماهه در یکساله را بیابان آورده در میان خلایق بتداول
 طاهران بکنند تا علم تبریز و ماهر و لیس است سابقه دولت اعلی حضرت قدر
 قدرت و نقل مشغول با نام السلطنه ازین اثر سز و کبیر
 در چاپ و راه بیخبر اند و تشریح این
 استان حکمت و باند باند
 صد و ده الاصل
 شهر تبریز

قسمت آخر کتاب مآثر السلطنه تألیف عبدالرزاق
 بیگ دلیلی که در نخستین چاپخانه سر می در تبریز
 به چاپ رسیده است

و تحصیل گذرانید و چون بمطالعه و تحقیق و تحصیل باهوش سرشاری که داشت علاقه میورزید
 این شد که پس از صرف چند سال وقت از زمره دانشمندان ایران بشمار آید. و پس از اینکه
 سلطنت رسید از آنجا که با اهل علم حشر و نشر کرده بود نسبت بآن طبقه ارادت خاص نشان
 میداد و وجودشان را گرامی می شمرد و در احیای مدارس قدیمه بذل همت میکرد. برادرزاده اش
 باباخان (فتحعلیشاه) را نیز بر آن داشت که تحصیل کند و چون فتحعلیشاه نیز اهل ذوق بود
 و شعر میگفت و به خط و نقاشی شیفتگی نشان میداد این شد که در او ان دوران قاجار برخلاف
 زمان افشاریه و زندیه هنر و صنایع ظریفه بار دیگر مورد توجه قرار گرفت و عنایت اولیای دولت
 موجب گردید که مکتب حکامی در هنر بوجود آید و تر و نظم فارسی که از اواخر دوران صفویه
 بطرف انحطاط میگردید بار دیگر با ظهور نویسندگان و گویندگان عالیقدری از خطر سقوط نجات
 یابد و آثار ارزشمندی در فرهنگ و ادب فارسی بوجود آید. مدارس قدیمه احیا گردید و
 مدرسه های جدیدی نیز بنیاد یافت و علاقه به نشر کتاب افزایش گرفت و کتابخانه های خصوصی
 و اختصاصی و عمومی بسیار دایر و ایجاد گشت.

باید گفت مقارن با سلطنت فتحعلیشاه در اروپا دوران تحول پدید آمد و ناپلئون بناپارت
 با قیامی ناگهانی امپراطوری فرانسه را بنیانی تازه گذاشت و از انقلاب فرانسه بهره برداری کرد.
 در اروپا انقلاب کبیر فرانسه اثراتی گذاشت و گوئی ملت های اروپائی را از خواب بیدار کرد.
 در همه اروپا جهشی سریع بطرف کمال ظاهر شد و قرن ابتکار و اکتشاف و اختراع فرا رسید.
 عباس میرزا که شاهزاده ای رشید و دانا بود به راهنمایی وزیر مدبرش خواست که ایرانیان از
 کاروان مدنیت نوظهور اروپا باز نمانند و برای تأمین این نظر چند دوره دانشجو بمنظور فرا
 گرفتن فنون جدید با اروپا فرستاد و همین کاروان بود که تخم آزادی را در ایران کاشت و پنجاه

سال بعد بارور گردید .

عباس میرزا وسیله متوجه خان گرجی معتمدالدوله یکدمتگاه ماشین چاپ سری از انگلستان خریداری کرد و از راه روسیه به تبریز آورد (۱۲۷۷ ه . ق) ۱۳ بدیهی است سالها قبل از ۱۲۷۷ یعنی در حدود سال ۱۱۱۳ ه . ق . یکی از روحانیون ازمنی بنام آسندر که سال ۱۶۹۵ م . در اصفهان درگذشته بود^{۱۴} برای چاپ انجیل چاپخانه‌ای وارد کرده بود که حروف آن چوبی بود و مقارن با این احوال نیز آسوریان ارومیه (رضائیه) چاپخانه‌ای برای چاپ کتابهای مذهبی دائر کردند که بعدها با همین چاپخانه روزنامه نیز نشر دادند^{۱۵} لیکن چنانکه گفتیم نخستین بار به همت عباس میرزا چاپخانه سری بایران آمد و میرزا زین العابدین که کار چاپ را فرا گرفته بود متصدی باسهمخانه (چاپخانه) گشت و نخستین اثری که در این چاپخانه (باسهمخانه) چاپ شد فتح‌نامه نام داشت که متضمن فتوحات عباس میرزا بود و سپس کتاب مآثر السلطانیه تألیف عبدالرزاق بیگ دنبلی که تاریخ دوران سلطنت فتحعلیشاه و خدمات عباس میرزا است بچاپ رسید^{۱۶} در این جا نمونه‌ای از این کتاب گراور میشود .

نکته‌ای در اینجا لازم یادآوری است و آن تاریخچه و سابقه (باسمه) در ایران است . تا آنجا که این نویسنده اطلاع دارد باسمه از زمان سلطان حسین میرزا بایقرا در ایران سابقه داشته و آنچه مارا باین حقیقت راهنمایی میکند وجود حاشیه‌کتابهایی است که آنرا باسمه کرده‌اند و شرح آنرا خواهیم گفت . از زمان شاه عباس بزرگ پارچه‌هایی در دست است که نشان میدهد در این زمان باسمه بر روی پارچه‌های کتان و ابریشمین نیز معمول گردیده است .

برای باسمه کردن نخست صور مختلف گلبرگ و پرندگان و چرندگان را در حالات و حرکات زیاد و دل‌نشینی با نهایت مهارت و ظرافت در روی چوبهای محکم و بادوام حکاکی میکردند بطوریکه صورتها بشکل برجسته‌ای نمودار میگردد پس این چوبهای حکاکی‌شده را که در ابعاد مختلف بود بر روی بندهای آغشته به رنگهای مورد نظرشان فرو می‌بردند و با این ترتیب قسمت‌های برجسته چوب رنگ میگرفت و قسمت‌های فرورفته بزرنگ می‌ماند آنگاه این قطعه‌های حکاکی‌شده را که باسمه می‌نامیدند با فشار ملایم بر روی پارچه و یا کاغذ می‌فشرده و با تحت فشار قید و منگنه‌های چوبی قرار میدادند و با این عمل رنگها بر روی پارچه و یا کاغذ منعکس میشد و در نتیجه نقوش چوبهای حکاکی‌شده در روی کاغذ و پارچه منعکس میگردد پارچه و یا کاغذی که با باسمه نقاشی میشد بنام قلمکار هم میخواندند و علت آن بود که پس از اینکه نقوش بر روی پارچه یا کاغذ منعکس میگردد با قلم اطراف نقوش را قلم‌گیری میکردند و آنرا مشخص می‌ساختند (باسمه لغتی است ترکی که از مصدر باسماخ گرفته شده است) .

تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد قدیمی‌ترین اثری که در آن از صنعت باسمه یاد شده ، در شهر آشنوی است که میرزا مظاهر وحید قزوینی در گذشته سال ۱۱۱۰ ق سروده و آن قسمت را در اینجا از شهر آشوب او نقل می‌کنیم .

از باسماخی بولم هولائی است	چون باسمرنگ من طلائی است
شد زرد و ضعیف از غم دوست	همچون ورق طلا مرا پوست
شاید آید بکار جانان	این خسته که قالبی است بر جان
دل تنگ و امید دل فراخ است	چون قالب او هزار شاخ است

پس از رواج چاپ سری چاپ سنگی نیز به تبعیت از کتابهای چاپی هندوستان در ایران معمول گردید و نخستین چاپخانه سنگی ایران سال ۱۲۵۹ دایر شد که در این زمان تاریخ معجم را با چاپ سنگی بچاپ رسانیده‌اند .

۱۳ - المآثر والاثار ص ۱۰۰ . ۱۴ - مجله وحید ج ۲ شماره ۸ .

۱۵ - تاریخ روزنامه‌ها و مجلات ایران تألیف پرفسور ادوارد برون .

۱۶ - نسخه متعلق بکتابخانه نویسنده است .

در زمان ناصرالدین‌شاه چاپ در ایران رواج کامل یافت و اعتمادالسلطنه که بریاست دارالطباعة انتخاب شد در ترقی و کمال این صنعت بذل‌همتی کرد برای اطلاع بیشتر از چگونگی چاپ در ایران میتوان بکتاب المآثر والاثار مراجعه کرد^{۱۷}.

گرچه صنعت چاپ سال ۱۱۱۳ ه. ق بایران آمد لیکن قبل از این تاریخ در اروپا و ترکیه و مصر و هند کتابهای فارسی بچاپ رسیده بوده است. داستان مسیح و داستان سن پدرو هردو با ترجمه لاتین سال ۱۰۹۴ ه. (۱۶۳۹ م) در شهر لندن وسیله شخصی بنام لودوویکو دوریو بچاپ رسید^{۱۸} در سال ۹۵۳ ه. نیز تورات فارسی با سه زبان دیگر در اسلامبول بچاپ رسیده بوده است^{۱۹}.

چاپ کتابهای فارسی بچاپ‌سنگی در هندوستان سال ۱۲۲۵ ه. وسیله یکی از مأموران انگلیسی در کلکته انجام شده است، در اسلامبول نیز از سال ۱۲۲۵ ه. بچاپ کتابهای فارسی اقدام گردیده و گمان میرود نخستین کتابی که در اسلامبول بچاپ رسیده بود فرهنگ شعوری باشد، مطبعه بولاق مصر نیز اقدام بچاپ کتابهای فارسی کرده بود نخستین کتابی که در مطبعه بولاق بچاپ رسیده مفتاح الدریه فی اثبات القوانین الدریه سال ۱۲۴۲ ه. بوده است بدیهی است در پطرسبورگ، وین، لندن، پاریس، رم نیز بعدها کتابهای فارسی متعددی چاپ شده است. رواج چاپ در دوران قاجار بهمان میزان و مقدار که در رواج و نشر فرهنگ سوئدمنند افتاد زیانهای نیز بیار آورد که بطور اختصار برای نخستین بار متذکر آن میگردد.

پس از اینکه چاپ کتابهای سری و سنگی در ایران معمول گردید، کتابهای چاپ شده به بهای ارزان در دسترس همگان قرار میگرفت، چون نسخه‌نویسی از روی یک اثر ده برابر بهای یک کتاب مطبوع هزینه بر میداشت بدین توضیح که اگر دیوان فرخی سیستانی را میخواستند وسیله خوشنویسی نسخه برداری کنند هزینه دستمزد خطاط و صحاف و جدول کش و تجلید و بهای کاغذ حداقل بیست تومان (دویست ریال) می‌شد بدیهی است این مبلغ در صورتی بود که کتاب از آرایش و پیرایش عاری بود و سرلوح و طلاکاری نداشت و در مقابل اگر همین دیوان فرخی سیستانی را بچاپ سنگی نشر میدادند بهای هر یک جلد آن بیش از چهار ریال (قران) نبود از این رهگذر طالب‌علمان و علاقمندان بکتاب با امید اینکه کتابها بمرور چاپ میشود و با بهای ارزان در دسترسشان قرار می‌گیرد از تهیه کتابهای خطی مورد نیازشان خودداری کردند و با کمال تأسف و برخلاف انتظار تعداد نسخی که از آثار ادبی و علمی و فلسفی و مانند آن طی چندسال بچاپ رسید (از آثار قدما و متون فارسی) بیش از هزار عنوان نبود در حالیکه بطور کلی متون فارسی بیش از بیست هزار عنوان و اثر مستقل قابل استفاده و مطالعه و مرور دارد و همین امر سبب گردید که طالب‌علمان این دوران از آثار گرانقدر علمی و ادبی فارسی بدور و مهجور ماندند و سطح اطلاعات و معلومات این دسته نسبت بگذشته بسیار کاهش یافت و بدیهی است این امر را باید بحساب زیان و ضرری گذاشت که صنعت چاپ در یادای امر برخلاف دیگر کشورها که از ذخائر معنوی مخطوط بی بهره بودند برای دانش پژوهان ایران و طالب‌علمان ارمغان آورد. هم‌اکنون نیز چنانکه بایست نسبت به نشر متون ادبی و علمی دوران گذشته که گنجینه بی‌بدیل و بی‌نظیری است اهتمام نمیشود و دانش پژوهان و طالب‌علمان را با آثار گرانقدر و نایاب و نادر این گنج‌شایگان دسترس نیست و از ذخائر معنوی کهنسال خود بی‌اطلاع و بی‌خبرند هنوز بیش از پنجاه هزار اثر و عنوان مخطوط در کتابخانه‌های خصوصی و اختصامی جهان باقیمانده که اگر اقدام به نشر اینگونه آثار شود مقام و ارزش فرهنگ و ادب و دانش ایران بیش از پیش مشهود خواهد افتاد.

۱۷ - جزوه سیر کتاب در ایران از ایرج افشار ص ۲۴ - ۲۵.
۱۸ - از تحقیقات آقای ایرج افشار لیکن ایشان متذکر شده‌اند که یازده سال بعد از درگذشت شاه عباس اول که تصور میرود منظورشان شاه عباس ثانی بوده است.
۱۹ - تحقیق استاد سعید نفیسی. راهنمای کتاب.